

|   |                     |
|---|---------------------|
| دوتا ۳۶۰  | در میان گذاشتن / ۶۸ |
| T = معلم ۱  | S = معلم ۲          |
| یک شاگرد آنچه را که از ارمیا آموخته است، در میان می‌گذارد - بخش اول |                     |

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه که در مورد در میان گذاشتن برکات رازگهان است یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح شوید . ما دو معلم هستیم که آنچه از رازگهان خود از هفت بخش منتخب در کتاب ارمیا در عهد عتیق را یاد گرفته ایم با شما در میان خواهیم گذاشت . هفته ای یکبار جمع می‌شویم تا آنچه یاد گرفته ایم را با هم در میان بگذاریم . درحالیکه به این برنامه گوش می‌دهید، در دفترتان یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. عنوان امروز این است : "یک شاگرد آنچه را که از ارمیا - بخش اول آموخته است، در میان می‌گذارد."

### (S) در میان گذاشتن از فصل‌های انتخاب‌شده از ارمیا

در طول هفته گذشته، فصل‌های ۱، ۲، ۴، ۱۰، ۱۷، ۱۸ و ۲۳ از ارمیا را خواندیم و در مورد آنها تعمق و دعا کردیم. اینک از یادداشتهای خود استفاده خواهیم کرد تا حقایق و درسهای مهمی را از این فصلها در میان بگذاریم و در مورد برخی از بخشهای دشوار بحث کنیم.

#### در میان گذاشتن برکات از ارمیا ۱

"دعوت از مردی جوان برای آنکه نبی خدا باشد". در سال سیزدهم سلطنت یوشیا، یعنی در سال ۶۲۷ قبل از میلاد، کلام خداوند بر ارمیا، فرزند یک کاهن، نازل شد و او را فراخواند تا "نبی" خداوند باشد. ارمیا بصورت اول شخص مفرد صحبت می‌کند، و کوتاه زمانی پس از این واقعه، در مورد دعوت الهی خود می‌نویسد.

**اول** "خدا از ارمیا می‌خواهد که نبی او باشد، و او را برای این مأموریت تجهیز می‌کند". حتی پیش از آنکه ارمیا بدنیا بیاید، خدا او را برگزیده و تعیین کرده بود تا پیام او را به مردم یهودا و اقوام مجاور اعلام نماید. ارمیا مرد جوانی بود و احتمالاً کمتر از بیست سال سن داشت، و از این رو احساس می‌کرد توان انجام چنین مأموریتی را ندارد زیرا سخن گفتن نمی‌داند (آیه ۶). در مشرق زمین، رسم است که معمولاً افراد مسن‌تر مایل نیستند به سخنان افراد جوان و کم سن و سال گوش فرادهند. اما خدا از ارمیا خواست که سخن بگوید. خدا به ارمیا وعده داد که کلمات مناسب را در دهان او خواهد گذاشت، و با او خواهد بود (۷ - ۸). آنگاه خدا ارمیا را تقویت نمود: ارمیا در رؤیا دید که خدا دست بر لبهایش گذاشته و می‌گوید: "اینک کلام خود را دهانت گذاشتم." (آیه ۹). خدا به ارمیا گفت که نترسد، زیرا "تو را همچون شهر حصاردار... و دیواری برنجین، مقاوم خواهم ساخت تا در برابر تمام افراد این سرزمین بایستی." (۱۸). حتی آنگاه که رهبران سیاسی و مذهبی با ارمیا ضدیت ورزند، نخواهند توانست بر او غالب شوند. درسی که من می‌آموزم این است که وقتی خدا کسی را فرامی‌خواند، او را برای کاری که از او می‌خواهد آماده و مجهز نیز می‌سازد.

**دوم** "مأموریت ارمیا". مأموریتی که خدا به ارمیا سپرد، آسان نبود. خدا از او خواست که به قومها و حکومتها هشدار دهد و بگوید که برخی از آنها ریشه‌کن شده، از بین خواهند رفت و برخی دیگر، باقی خواهند ماند و تقویت خواهند شد (آیه ۱۰). خدا ارمیا را فراخواند تا در وهله نخست، نبی باشد که پیام داوری را اعلام می‌کند. این کار بسیار دشواری است، زیرا کسانی که حاضر نیستند توبه کنند، با ارمیا ضدیت خواهند ورزید و سعی خواهند کرد دهان او را ببندند. خدا ارمیا را فرستاد تا داوری الهی را برضد یهودا اعلام کند، زیرا مردم یهودا بی‌شرمانه بتها را می‌پرستیدند و نسبت به خدای حقیقی بی‌وفا شده بودند. خدا اعلام داشت که اگر قوم اسرائیل توبه نکنند، آنها را از سرزمینشان ریشه‌کن خواهد نمود و سرزمینشان را ویران خواهد ساخت. خدا شهر اورشلیم را با معبد آن و نیز سایر شهرهای یهودا را نابود خواهد کرد. هدف از این اعلام داوری خدا این بود که مردم توبه کنند و نجات یابند. خدا ارمیا را فرستاد تا پیام نجات را نیز اعلام نماید. اگر قوم اسرائیل توبه کنند، خدا آنها را از نو بنا خواهد کرد و تقویتشان خواهد نمود. و در نهایت، خدا از طریق داوری کردن قوم شیر و گناهکار، نقشه نجات خود را عملی ساخت. هیچکس و هیچ چیز نخواهد توانست مانع از آن شود که خدا نقشه نجات خود را عملی سازد. درسی که من می‌آموزم این است که پیام انجیل برای آنانی که توبه نکنند داوری در پی خواهد داشت، اما برای کسانی که توبه کنند، نجات را به ارمغان خواهد آورد.

(T) در میان گذاشتن برکات از ارمیا ۱۰ . "مردم باید بین توکل بر بت‌های بی‌جان و توکل بر خدای زنده، یکی را انتخاب کنند."

خدا به مردم یهودا می‌گوید که نباید از راه و رسم سایر قومها پیروی کنند؛ به عبارت دیگر، نباید از آداب و سنن مذهبی اقوام مجاور الگو بگیرند. این آیینهای مذهبی عبارت بود از پرستش آفتاب و ماه و ستارگان و سجده کردن در برابر بت‌هایی که خود ساخته بودند.

**اول** "طالع‌بینی را باید مردود شمرد." پرستش آفتاب و ماه و ستارگان تقریباً نیم قرن پیشتر توسط منسی پادشاه در میان قوم اسرائیل رواج یافته بود (دوم پادشاهان ۲۱: ۳ و ۵). پرستش لشکریان آسمان سبب شد طالع‌بینان و غیب‌گویان به سوءاستفاده از مردم ساده‌لوح بپردازند و در ازای دریافت مبالغی هنگفت، از روی نشانه‌های ستارگان در مورد آینده پیشگویی کنند (ارمیا ۸: ۲). این افراد ادعا می‌کردند که نشانه‌های ستارگان آسمان می‌تواند بر زندگی مردم زمین تأثیر بگذارد. در نتیجه، بسیاری از مردم به طالع‌بینی اعتقاد پیدا کردند و از پیشگوییهای طالع‌بینان می‌ترسیدند. اما قوم خدا هرگز نباید از چنین نشانه‌هایی در آسمان بهراسند، زیرا خداست که به خورشید و ماه و ستارگان فرمان می‌دهد تا در زمانهای تعیین‌شده بدرخشند (۳۱: ۳۵). این

خداست که مسیر ستارگان را تعیین می‌کند، نه اینکه ستارگان مسیر زندگی بشر را تعیین کنند. همچنین خداست که مسیر زندگی بشر را بر روی زمین تعیین می‌کند. درسی که من می‌آموزم این است که مسیحیان باید هر نوع طالع‌بینی و غیب‌گویی را مردود بشمرند.

**دوم.** “ویژگیهای بتها”. ارمیای نبی با لحنی طعنه‌آمیز به توصیف ماهیت واقعی بتها می‌پردازد. بتها ساخته دست انسانند (۳ – ۵). از این رو باید بسیار نازلتر از انسان باشند. انسان درختی را از جنگل می‌برد، انسان دیگری را اجیر می‌کند تا با ابزارش از آن بتی بسازد، و سپس آن را با طلا و نقره زینت می‌دهد. بر بت لباس می‌پوشاند (۹) و آن را با میخ و چکش در محل استقرارش محکم می‌کند تا نیفتد. بهترین توصیف در مورد بتها این است که به مترسکی در جالیز می‌مانند که حتی نمی‌تواند پرندگان را از خود براند. و برای جابجا کردن آنها باید کسی بیاید و آنها را برداشته، از مکانی به مکان دیگر ببرد زیرا خود قدرت راه رفتن ندارند. ارمیا به قوم خدا فرمان می‌دهد که از بتها نترسند، زیرا هیچ صدمه‌ای نمی‌توانند بزنند. همچنین به آنها فرمان می‌دهد که به بتها توکل نکنند، زیرا بتها هیچ کمکی نیز نمی‌توانند بکنند. بتها اشیائی مسخره، دروغین، بی‌جان و بی‌ارزشند (۱۴ – ۱۵)، و بی‌تردید در روز داوری نابود خواهند شد. درسی که من می‌آموزم این است که تمام کسانی که بت می‌سازند یا بت می‌پرستند، از نگاه خدا افرادی نادانند.

**سوم.** “ویژگیهای خدای زنده”. ارمیا در قالب یک سرود تمجید، به توصیف خدای زنده می‌پردازد. خدای زنده، یکتا و منحصر بفرد است و او را با هیچ چیز و هیچکس قیاس نتوان کرد. هیچکس نمی‌تواند از او تصویر یا تمثالی بسازد. خدای زنده چنان بزرگ و قدرتمند است که عظمت او در تصور هیچ انسانی نمی‌گنجد (آیه ۶). خدای کتاب‌مقدس خالق همه چیز است، و هیچیک از مخلوقات - اعم از انسان و اشیاء - هرگز نمی‌تواند از خالق خود بزرگتر و قدرتمندتر باشد. بتهای ساخته دست بشر هرگز نمی‌توانند سخن بگویند، اما خدای کتاب‌مقدس پیوسته سخن می‌گوید و کلام او دارای تأثیر شگفت‌انگیزی است. وقتی خدا سخن می‌گوید، آسمان می‌غرد و رعد و برق ایجاد می‌شود و باران سرازیر شده، باد زوزه می‌کشد (۱۳). خدا اسرائیل را برگزید تا قوم خاص او باشد (۱۶)، اما قوم اسرائیل در عوض به سراغ بتهای بی‌ارزش و خدایانی رفتند که توان سخن گفتن ندارند. درسی که من می‌آموزم این است که خدای کتاب‌مقدس یکتا و منحصر بفرد است و او را با هیچ چیز و هیچکس قیاس نتوان کرد. من تنها از طریق گوش فرا دادن به مکاشفه‌ای که او در کتاب‌مقدس از خود آشکار ساخته، می‌توانم او را بشناسم.

(S) **در میان گذاشتن برکات از ارمیا ۱۷.** “مردم باید بین توکل بر رهبران انسانی و توکل بر خدا، یکی را انتخاب کنند”.

**اول.** “آیات ۱ – ۴، گناه و داوری یهودا را توصیف می‌کنند.” گناه یهودا در همه جا مشهود بود و همه می‌توانستند آن را ببینند. درست همانطور که محال است بتوان حرفی را که با قلمی آهنین بر فلز حکاکی شده محو کرد، گناهان این قوم را نیز به هیچ وجه نمی‌شد از قلبهانشان زدود. خدا بت‌پرستی قوم اسرائیل و گناهانی را که دل‌پایشان مخفی بود، دید. و بنابراین تصمیم گرفت آنها را مجازات کند. دشمنان قوم اسرائیل خواهند آمد و سرزمین و ثروت و تمام گنجهای این قوم را تاراج خواهند کرد. قوم اسرائیل بخاطر گناهانی که مرتکب شده‌اند، میراثی را که خدا به آنان بخشیده بود از دست خواهند داد، و خدا اجازه خواهد داد که دشمنانشان آنها را در سرزمینی بیگانه به اسیری بَرند. درسی که من می‌آموزم این است که شکست هر ملتی در این دنیا بخاطر گناهانی است که نسبت به خدای کتاب‌مقدس مرتکب شده است. گناه انسان است که در تاریخ بشر باعث اینهمه رنج و فلاکت شده است.

**دوم.** “آیات ۵ – ۸، حق انتخابی را که خدا به هر فرد می‌دهد توصیف می‌کنند.” خدا می‌خواهد که هر انسانی بین اعتماد کردن و توکل بستن بر انسانی دیگر یا توکل بستن بر او، یکی را انتخاب کند. مردم اقوام گوناگون در سراسر تاریخ بشری، بر انسانها، بر رهبران سیاسی یا نظامی، و یا بر فیلسوفان و رهبران مذهبی تکیه زده‌اند. خدای زنده به تمام اینگونه افراد هشدار می‌دهد که مورد لعنت خدا واقع خواهند شد. آنان از آنجا که بجای توکل کردن بر خدا، بر انسان اعتماد کرده‌اند، مانند بوته‌ای خواهند شد در بیابان خشک و بی حاصل. آنان در تمام عمر خود تنها و بی‌ثمر خواهند ماند، و هرگز روی سعادت جاوید را نخواهند دید. اما در سراسر تاریخ بشر، کسانی نیز بوده‌اند که بر خدای زنده توکل بسته‌اند - خدایی که خود را در کتاب‌مقدس مکشوف کرد. کسانی چون خنوخ، ابراهیم، سارا، روت، داود پادشاه، نحیمای اُستاداندار، و استر جزو این افراد بودند. خدای زنده به تمام اینگونه افراد وعده می‌دهد که برکت خواهند یافت. آنان از آنجا که بر خدای زنده توکل کرده‌اند، مانند درختی خواهند بود که در کنار رودخانه است. آنان هیچگاه از زمان دشوار خشکسالی نخواهند ترسید، زیرا ریشه‌های عمیقی دارند که از هر طرف به آب می‌رسد. هیچگاه خشک و پژمرده و بی‌ثمر نخواهند شد، زیرا برگهای سبزشان همواره شاداب خواهد ماند و در تمام فصلها میوه خواهند آورد. درسی که من می‌آموزم این است که موفقیت واقعی من بسته به نوع رابطه‌ای است که با خدای زنده کتاب‌مقدس دارم.

**سوم.** “آیات ۹ – ۱۰، دل پنهان انسان را توصیف می‌کنند.” چرا بسیاری از مردم بجای توکل کردن بر خدای زنده، بر انسان توکل می‌کنند؟ علتش این است که دل‌های اینگونه افراد فریبنده و بینهایت فاسد است. دل انسان چنان فریبکار است که بخودی خود، نه تنها دیگران را می‌فریبد بلکه خود انسان را نیز می‌فریبد و حتی می‌کوشد خدای زنده را نیز فریب بدهد. مردم به این صورت خود را فریب می‌دهند که تصور می‌کنند افراد خوبی هستند و هیچ بدی و شرارتی در آنها نیست. و کسانی که خود را افراد خوبی می‌دانند، تصور می‌کنند که نیازی به توبه و ایمان آوردن به عیسی مسیح ندارند. کسانی که خود را افراد خوبی می‌دانند، همیشه دیگران را بخاطر بدی که در جهان وجود دارد مقصر می‌شمارند. اینگونه افراد دچار کوری روحانی هستند و تشخیص نمی‌دهند که برآستی چقدر فاسد و گمراه هستند. مردم به این صورت خود را فریب می‌دهند که تصور می‌کنند با پیروی از مذهبی خاص یا نگاه داشتن فرائض شریعت، خدا گناهانشان را نادیده می‌گیرد و آنها را مجازات نمی‌کند. و حتی با

این تصور که خدا آنچه را که در درون قلب آنها می‌گذرد نمی‌بیند، می‌کوشند خدا را فریب دهند. به همین جهت، به ظاهر افراد خوب و دینداری هستند، اما باطن‌شان مملو از نفرت، شهوات جنسی، دروغ، فریب، قتل و دیگر گناهان است. خدای زنده می‌گوید که تنها او می‌داند در دل انسان چه می‌گذرد. او نه تنها اعمال ظاهری انسان را می‌بیند، بلکه آنچه را که در باطن و در دل‌های آنها مخفی است نیز می‌بیند. درسی که من می‌آموزم این است که طبیعت درونی من فریبنده و بسیار فاسد و گمراه است. خدا از هر آنچه در دل من می‌گذرد باخبر است. بنابراین باید عیسی مسیح خداوند را بعنوان نجات‌دهنده خود بپذیریم تا به من قلب تازه‌ای عطا کند و آینده‌ای سرشار از امید به من ببخشد.

(T) در میان گذاشتن برکات از ارمیا ۱۸. "مردم باید بین پیروی از برنامه‌ها و نقشه‌های خودشان و پیروی از نقشه‌ای که خدا برای زندگی آنها دارد، یکی را انتخاب کنند."

**اول.** "آیات ۱ - ۴، کوزه و کوزه‌گر را توصیف می‌کنند." خدا مکاشفه دیگری به ارمیا داد. ارمیا می‌بایست به کارگاه کوزه‌گری می‌رفت. او در آنجا کوزه‌گری را دید که بر سر چرخش سرگرم کار بود. اما کوزه‌ای که می‌ساخت مطابق میلش درنیامد. پس کوزه‌گر دوباره آن را خمیر کرد و از آن کوزه دیگری ساخت که مطابق میلش بود. خدا با استفاده از این مکاشفه، به قوم اسرائیل نشان داد که قصد دارد با آنها چه کند.

**دوم.** "آیات ۵ - ۱۰، می‌گوید که تهدیدها و وعده‌های خدا مشروط است." خدا فرمود: "ای بنی اسرائیل، آیا من نمی‌توانم با شما همانگونه رفتار کنم که این کوزه‌گر با گل کرد؟ شما هم در دستهای من، همچون گل در دست کوزه‌گر هستید. هرگاه اعلام نمایم که قصد دارم قومی یا مملکتی را منهدم یا ویران سازم، اگر آن قوم از شرارت دست کشد و توبه کند، از قصد خود منصرف می‌شوم و نابودش نخواهم کرد. و اگر اعلام کنم که می‌خواهم قومی یا مملکتی را قدرتمند و بزرگ سازم، اما آن قوم راه و روش خود را تغییر داده، بدنبال شرارت برود و احکام مرا اطاعت نکند، آنگاه من نیز نیکویی و برکتی را که در نظر داشتم به آن قوم نخواهم داد." این مکاشفه خدا، بر ارتباط مستقیم بین اعمال خدا و رفتار انسان تأکید می‌ورزد. وقتی خدا قومی را به نابودی تهدید می‌کند، اگر آن قوم از گناه خود توبه کند، در آنصورت خدا نیز تهدید و داوری خود را عملی نخواهد کرد. اما اگر خدا وعده دهد که قومی را بزرگ و نیرومند خواهد ساخت، ولی آن قوم همچنان به گناهان خود ادامه دهد، در آنصورت خدا نجاتی را که وعده داده عملی نخواهد کرد. این نبوت بر "مشروط بودن تهدیدهای خدا در مورد داوری و وعده‌های او در مورد نجات"، تأکید دارد. به همین خاطر است که وعده‌های خدا در مورد نجات و بنای قوم اسرائیل، چنانچه قوم در برابر خدا سرکشی کنند، پس گرفته می‌شود. و باز به همین خاطر است که تهدیدهای خدا مبنی بر داوری و نابودی ملل خدانشناس، چنانچه توبه کنند و بسوی خدا بازگردند، لغو می‌شود. درسی که من می‌آموزم این است که من شخصاً مسئول هستم که با توبه کردن از گناهان خود، تهدید خدا در مورد داوری را لغو کنم. و همچنین شخصاً مسئول هستم که با مقاومت دائمی در برابر گناه، وعده‌های خدا مبنی بر نجات را در مورد خودم عملی سازم.

**سوم.** "تهدید خدا مبنی بر نابود کردن اسرائیل و استفاده از معدود بازماندگان این قوم جهت بنای قومی جدید." ارمیا دید که چطور کوزه‌ای در دستان کوزه‌گر به آن شکلی که کوزه‌گر می‌خواست درنیامد، و بنابراین کوزه‌گر آن را خراب کرد و از آن کوزه‌ای دیگر ساخت. هدف در این تصویر این است که نشان داده شود کوزه‌گر را نباید به این خاطر که کوزه خوب از آب درنیامد، مقصر دانست. هدف این است که به اسرائیل نشان داده شود که اگر کوزه مطابق میل کوزه‌گر نباشد، نابود خواهد شد و کوزه‌ای دیگر از آن ساخته خواهد شد. وقتی کوزه‌ای بخصوص مطابق انتظارات کوزه‌گر نباشد، کوزه‌گر چاره‌ای ندارد جز اینکه کوزه‌ای دیگر از آن بسازد. پیام خدا به قوم اسرائیل این است که خدا این حق و قدرت را دارد که وعده‌هایی را که در ابتدا به قوم اسرائیل داده، تغییر دهد. هدف خدا در ابتدا این بود که اسرائیل در میان سایر ملل، قوم خاص و برگزیده او باشد. اما وقتی قوم اسرائیل حاضر نیستند از گناهان و سرکشیهای خود توبه کنند، خدا نیز بدون شک در وعده‌هایی که به این قوم داده بود تجدید نظر می‌کند. قوم اسرائیل موقعیت ویژه خود را از دست خواهند داد، و خدا بجای آنها اقوام دیگری را بر روی زمین بعنوان قوم خاص خود انتخاب خواهد کرد. خدا خاندان اسرائیل را از میان گل تمام اقوام دنیا برگرفته، از آن کوزه‌ای زیبا "ساخته است". اما تا زمان ارمیا تنها دو قبیله و نصف از این قوم باقی مانده بودند، یعنی قبایل یهودا و اورشلیم. و حتی این گروه اندک نیز دیگر مطابق نقشه خدا عمل نمی‌کردند. به عبارت دیگر، قوم اسرائیل مطابق آنچه خدا انتظار داشت از آب درنیامد. درسی که من می‌آموزم این است که خدا از هم‌اکنون کسانی را که به مسیح ایمان دارند، از میان هر قوم و ملتی در جهان برمی‌گیرد و آنها را به قوم خاص و برگزیده خود تبدیل می‌سازد - همانگونه که متی ۲۱: ۴۲ - ۴۴ و اول پطرس ۲: ۹ - ۱۰ نیز همین واقعیت را تعلیم می‌دهند.

**چهارم.** "آیات ۱۱ - ۱۲، دعوت خدا به توبه و سرسختی اسرائیل را توصیف می‌کنند." خدا اسرائیل را به توبه فراخواند و گفت: "به آنها بگو که من علیه ایشان بلایی تدارک می‌بینم. پس بهتر است از راه زشتشان بازگردند و کردار خود را اصلاح کنند." خدا در ابتدا قوم اسرائیل را بنا و تقویت کرده بود. اما اکنون این قوم را به نابودی تهدید می‌کرد. این تهدید خدا تنها در صورتی لغو می‌شد که قوم از گناهانشان توبه می‌کردند و بسوی خدا بازمی‌گشتند. اما خدا از قبل می‌دانست که دل‌های قوم اسرائیل تا چه حد فاسد و گمراه است. و به همین جهت، ارمیای نبی آنچه را که قوم اسرائیل در دل‌های خود مخفی داشتند، در قالب این کلمات بیان داشت: "آنها جواب دادند، بیهوده خود را زحمت مده. ما هر طور که دلمان می‌خواهد زندگی خواهیم کرد و امیال سرکش خود را دنبال خواهیم نمود." ارمیای نبی با بیان این جواب نشان داد که قوم اسرائیل تا چه حد سرسخت و ناتوبه‌کارند. سرزنش کردن و هشدار دادن به این قوم بیفایده بود، زیرا اسرائیل پیشاپیش تصمیم گرفته بود که نقشه خدا را رد کرده، از برنامه و نقشه خودش پیروی کند. قوم اسرائیل مدت کوتاهی قبل از رفتن به تبعید، چنین رویه‌ای داشتند. درسی که من

می‌آموزم این است که هر کسی باید تصمیم بگیرد که آیا می‌خواهد از نقشه‌ای که خدا برای زندگی‌اش دارد پیروی کند، یا از نقشه و برنامه‌های خودش.

(S) در میان گذاشتن برکات از ارمیا ۲۳. "مردم باید بین اعلام رؤیاهایی که زبیده ذهن خودشان است و اعلام کلام خدا، یکی را انتخاب کنند".

**اول.** "آیات ۱۳ - ۱۵، دو نوع نبی شرور را در مقابل هم قرار می‌دهد." بویژه در مملکت شمالی اسرائیل، انبیای بت‌پرستی وجود داشتند که به کمک ارواح شریر پیشگویی می‌کردند. این افراد، انبیای بت‌بعل بودند و قوم خدا را گمراه می‌کردند. اما بویژه در مملکت جنوبی یهودا، انبیای دروغینی وجود داشتند که وانمود می‌کردند بنام خداوند نبوت می‌کنند، اما در واقع به کمک ارواحی دروغگو پیشگویی می‌کردند. انبیای اسرائیل بسیار شرور بودند، اما انبیای یهودا از آنها هم بدتر بودند، زیرا مردم فکر می‌کردند که آنها کلام خداوند را اعلام می‌کنند، در حالیکه در واقع پیامهای ساختگی خودشان را اعلام می‌کردند.

**دوم.** "آیات ۱۶ - ۲۲، به تفاوت بین انبیای دروغین و انبیای حقیقی یهودا اشاره می‌کند." ویژگی انبیای دروغین یهودا، ظاهرسازی و بیان پیامهایی بود که مردم دوست داشتند بشنوند. ارمیا ۷: ۴ می‌گوید که این انبیای دروغین با استناد به اینکه خانه خدا هنوز در اورشلیم پایرجاست، به مردم اطمینان می‌دادند که هیچ بلایی بر آنها نازل نخواهد شد. و ارمیا ۲۳: ۱۷ می‌گوید که آنها حتی هنگامی که قوم اسرائیل خداوند را خوار می‌شمرد، اعلام می‌کردند که صلح و آرامش خدا بر سر قوم است. آنان وعده می‌دادند که هیچ صدمه‌ای به اسرائیل نخواهد رسید، در حالیکه قوم اسرائیل همچنان لجوجانه به گناهان خود ادامه می‌دادند و از امیال دل‌های فاسدشان پیروی می‌کردند. خدا گفت که رؤیاهای این انبیای دروغین زبیده فکر و ذهن خودشان است، و به هج وجه از طرف او نیست. خدا گفت که آنان هیچگاه در حضور او نایستاده‌اند و پیامی از او نگرفته‌اند. نتیجه: برخی ادعا می‌کنند که نبی و پیام‌آور خدا هستند، اما خود خدا آنها و نبوتشان را مردود می‌شمرد.

پس از کجا بدانیم که کسی نبی حقیقی است یا نبی دروغین (۱۸)؟ از کجا بدانیم که پیامی خاص، از طرف یک نبی دروغین بیان شده یا اینکه برآستی از سوی خداوند است؟ کتاب مقدس می‌گوید که یک نبی حقیقی یا نبوت حقیقی، سه ویژگی عمده دارد: **یک.** "تمام انبیای حقیقی، زندگی پاک و خدایسندانه‌ای دارند." انبیای دروغین مرتکب زنا می‌شوند و زندگیشان مملو از دروغ است. به عبارت دیگر، مخفیانه زندگی متفاوتی دارند که با آنچه می‌گویند فرق دارد (۱۴).

**دو.** "تمام انبیای حقیقی، همواره مردم را به توبه کردن از گناه نسبت به خدای کتاب مقدس فرامی‌خوانند." انبیای دروغین می‌کوشند پیروانشان را راضی نگه دارند، اما انبیای حقیقی از گفتن آنچه که مردم باید بشنوند و اهمه‌ای ندارند (۲۲).

**سه.** "تمام نبوت‌های انبیای حقیقی قطعاً به تحقق خواهد پیوست." امروزه پس از تحقق پیشگوییهای انبیایی چون موسی، اشعیا، ارمیا، حزقیال و دانیال، می‌دانیم که آنها انبیای حقیقی و از جانب خدا بوده‌اند. سخنانی که خدا از دهان یک نبی حقیقی بیان می‌کند، همواره در راستای تحقق نقشه خدا است (۲۰). بنابراین، خدا به قوم خود فرمان می‌دهد که به گفته‌های انبیای دروغین یهودا یا انبیای دروغین سایر ممالک گوش ندهند. درسی که من می‌آموزم این است که نباید سخن هر نبی‌ای را باور کنم، بلکه باید آنها را در این سه مورد امتحان نمایم: "آیا این نبی زندگی مقدسی دارد؟" "آیا او مردم را به توبه کردن از گناه نسبت به خدای کتاب مقدس فرامی‌خواند؟" و "آیا نبوت‌های او تحقق می‌یابد؟"

## (T) تکلیف برای هفته آینده

**اول.** هر روز وقت رازگهان داشته باشید و یک فصل از ارمیا را بخوانید. فصلهای انتخاب شده، عبارتند از ارمیا فصلهای ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۶ و ۳۷. ملاحظات و تفکرات خود را در دفترتان یادداشت کنید. هفته‌ای یک بار، با یک دوست یا در یک مشارکت خانگی یا گروه شاگردی، آموخته‌ها، کشفیات، و برکات خود را در میان بگذارید.

**دوم.** کتابهای دست‌نویس عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم....

**سوم.** هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.